



نگاهی اجمالی به کتاب دومین اطلس جغرافیایی دوره قاجار

کاین نقش که بر لوح ضمیر ماست

دکتر مهدی جوبینه

بودند، اولین نقشه دارالخلافه تهران را تهیه و با چاپ سنگی به طبع برساند ...»

در ادامه این مقدمه که به قلم غلامرضا سحاب (از خانواده سحاب که چند نسل به کار تهیه و تولید نقشه پرداخته‌اند) است، نکات دیگری نیز آمده است که برای ذهن جویا و علاقه‌مند به جغرافیای تاریخی جذابی مضاعف دارد. وی تلاش ۲۶ ساله استاد **عبدالغفار نجم‌الدوله**، استاد علم جغرافیا و نجوم را که به تولید اولین اطلس جغرافیا منجر شد، برمی‌شمارد و به مبنای این کار که ترجمه اطلس‌های آن روزگار از کشور فرانسه بود، اشاره می‌کند.

اطلس جغرافیایی دوره قاجار دومین اطلس از مجموعه سه جلدی آن روزگار است که توسط محمدرضا مهندس تهیه شده است.

«دومین اطلس جغرافیایی دوره قاجار» به همت دکتر **جواد صفی‌نژاد**، مهندس **غلامرضا سحاب** و مهندس **سعید بختیاری**، توسط انتشارات «دنیای جغرافیای سحاب» به زیور طبع آراسته شد. این اطلس توسط **محمدرضا مهندس** (مهندس‌الملک) در ۱۳۱۹ ه.ق. (۱۹۰۱ م، ۱۲۸۰ ه. ش) تألیف شده است. در مقدمه آن آمده است: «**مسیو کرشیش** (کرزیر)، معلم توپخانه و مهندسی در کلاس‌های درس مدرسه دارالفنون، با کمک مترجم دانشمند خود، **میرزا ذکی مازندرانی**، اول بار محصلان دارالفنون را با رموز فن نقشه‌برداری آشنا ساخت.

کرشیش در سال ۱۲۷۵ ه.ق. (۱۸۵۸ م) موفق گردید با دستیاری **ذوالفقار بیگ** و **محمدتقی‌خان** که از شاگردان مدرسه دارالفنون

در مقدمه کتاب، چاپ اولین و سومین جلد به ارزیابی استقبال از اطلس حاضر موقوف شده و در دیباچه این اطلس شرح مسوطی از هر سه اطلس ارائه شده است. همچنین، بیوگرافی میرزا رضاخان مهندس، فرزند **محمدباقرخان**، چگونگی پیوستن این شاگرد نمونه دارالفنون به جمع معلمان آن مدرسه و چگونگی تهیه نقشه‌های اولیه آن اطلس، در جای خود ارزش علمی بسیار برای مطالعات تطبیقی دارد. از جمله مزایای دیگر این دیباچه وجود تصاویر منحصر به فرد از شخصیت‌های علمی و نماهایی از مدرسه دارالفنون به همراه نقشه موقعیت مدرسه در دارالخلافه تهران است. سایر اطلاعات این بخش به لحاظ سندیت و صحت بسیار ذی‌قیمت است.

در ادامه شرح مفصلی از اطلس دوم به همراه نحوه تعیین نصف‌النهار صفر درجه آمده و موقعیت جغرافیایی ایران را به مطالب جغرافیایی کشورهای انگلستان، فرانسه، آلمان و روسیه اضافه کرده است. در این بخش چنین می‌خوانیم: «اطلس میرزا رضای مهندس با نقشه‌های مربوط به ایران و جهان، در ۱۶ برگ مزین شده است. در برگ نخست نام اطلس و معرفی ترسیم‌کننده آن که معلم مدرسه مبارکه دارالفنون بوده است، ثبت و با مهر امام رضا مهور شده است. در برگ دوم، مقدمه‌ای از معرفی مؤلف اطلس با امضای وزیر علوم وقت، به همراه مطالبی درباره اطلس مشهور **عبدالغفار نجم‌الدوله** که از پنجاه برگ تشکیل شده است، و شرح حالی از نامبرده را مشاهده می‌کنیم و با چهارده نقشه رنگی اطلس میرزا رضا که مورد تأیید و با مهوریت نجم‌الدوله است، پایان می‌یابد.»

همه نقشه‌های این اطلس به صورت دستی رنگ‌آمیزی شده‌اند و تمامی آن‌ها دارای طول و عرض جغرافیایی هستند که مبدأ صفر درجه، نصف‌النهار پاریس محاسبه شده است. این توضیح را هم آورده است که پیش از سال ۱۸۸۴ میلادی، هر کشوری که به تهیه نقشه خود همت می‌کرد، نصف‌النهار مبدأ را پایتخت خود در نظر می‌گرفت.

آن‌گاه، بنا به علتی که مشخص نیست، به یکباره به محمدرضای مهندس (معمدالسلطان) اشاره می‌کند و فهرستی از کتاب‌های تألیف شده توسط وی را از منابعی که معرفی کرده است، ارائه می‌دهد. اگرچه این فهرست بدون مقدمه و بدون ربط با سبک و سیاق اطلس آمده است اما از دو جنبه حائز اهمیت است: اولاً در کنار هم قرار گرفتن کتاب‌های حساب، جبر، هندسه اعم از مخروطاتی و فضاییه و کتاب‌های جغرافیا و نقشه‌جات، حکایت از ارتباط این علوم با یکدیگر دارد؛ امری که در حال حاضر چندان توجهی به آن نمی‌شود و اغلب دانشجویان و فارغ‌التحصیلان جغرافیا به دلیل کمتر آشنا بودن با این علوم، از درک محاسبات مربوط به نقشه و مسائل آن قاصرند. ثانیاً گنگ بودن توضیحات در باب دو اسم میرزا رضاخان مهندس‌الملک و محمدرضای مهندس (معمدالسلطان) خواننده را دچار سردرگمی می‌کند و نمی‌تواند در وهله اول تشخیص دهد که آیا این دو یک

نفرند یا افراد متفاوتی هستند و تشابه اسمی به وجود آمده است. البته نویسنده مقدمه این اطلس در صفحه ۲۴ به این نکته اشاره کرده است. او با استناد به جلد ششم کتاب شرح حال رجال ایران، در این باره توضیح می‌دهد که هر دوی این نام‌ها به یک نفر متعلق بوده‌اند. محمدرضا قبل از مفتخر شدن به لقب «مهندس‌الملک» به لقب «معمدالسلطان» شهرت داشته است و نتیجه می‌گیرد که لقب میرزا رضاخان از زمان تهیه اطلس تا سال ۱۳۲۴ ه. ق معمداالسلطان بوده است و پس از آن به مهندس‌الملک ملقب می‌شود. برای اطمینان از این حدس، نویسنده دست به یک بررسی کرونولوژیک زده است. او براساس مقایسه شناسنامه کتاب «جغرافیای مقدماتی»، اصول علم جغرافیای دوره ابتدایی، که نام مؤلفش میرزا رضاخان مهندس‌الملک بوده و در سال ۱۳۳۷ ه. ق (۱۲۹۷ م) به چاپ رسیده، با شناسنامه چاپ نخست همان کتاب در سال ۱۳۲۹ ه. ق که پنج سال پس از چاپ نقشه ایران برده است، نتیجه می‌گیرد که این میرزا رضا همان میرزا رضای مؤلف اطلس مورد نظر است، با این تفاوت که در اطلس نوشته شده است: «میرزا رضاخان مهندس

(معمدالسلطان)» ولی در این کتاب جغرافیایی آمده است: «میرزا رضاخان مهندس‌الملک». این توضیح نه تنها گره‌ای از کار فروبسته خواننده باز نمی‌کند که بر ابهام و تردید وی می‌افزاید. در ادامه، این دیباچه شرحی در مورد اطلس سوم دارد. آن را به **احمدبن سلیمان** نسبت می‌دهد و به نام «اطلس سلیمان‌خان» معرفی می‌کند. در این بخش سه نقشه‌ای را که به ایران متعلق و عبارت است از نقشه پهنه ایران، نقشه دهات و آبادی‌های معروف اطراف تهران با مقیاس خطی به واحد فرسنگ و نصف‌النهار پاریس، و نقشه تهران و نواحی اطراف آن، توضیح

می‌دهد. اما نکته جالب این است که پس از ارائه سه نقشه مزبور، نقشه چهارمی را عرضه می‌کند که بر نصف‌النهار صفر درجه از مبدأ تهران تأکید دارد؛ بدون هیچ مقدمه‌ای و ربط وثیقی و بدون آنکه به مبث این فصل ارتباط داشته باشد. چنین بی‌نظمی‌هایی در مجموعه این اطلس، از ارزش‌های آن می‌کاهد و سندیت آن را مخدوش می‌سازد. از صفحه ۳۱ به بعد، دومین اطلس جغرافیایی دوره قاجار به همان شکل که در چاپ اول آن عرضه شده، آمده است. اشکال بحث هیئت (جغرافیای ریاضی و زمین در فضا)، جهات اصلی، مدارات و نصف‌النهارات، نقشه جهان نما، نقشه پراکندگی کوچ‌نشین‌ها و نژادهای عمده انسان‌ها در شکل دو نیمکره شرقی و غربی، و نقشه‌های آسیا، ایران، سلسله جبال البرز و اطراف تهران، تقسیمات استانی ایران، اروپا، آفریقا، آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، تنگه پانام، بعضی از جبال و بحیرات (دریاچه‌ها) مشهور ایران، شامل کوه سولان (سبلان)، دریاچه

کتاب دومین اطلس جغرافیایی دوره قاجار، کتاب نفیس و باارزشی است که هر کتابخانه معتبری قطعاً یک جلد از آن را در اختیار خواهد داشت. کیفیت کاغذ آن علاوه بر مرغوبیت با موضوع قدمت آن هم خوانی دارد که این از امتیازات دیگر آن است. جلد و طراحی آن نیز کمترین نقص را دارد

خواننده بخش مقدماتی این اطلس نوعی سردرگمی برای وی به همراه دارد. به نحوی که مدام می‌باید به عقب برگردد و آنچه را می‌خواند، با متن قبلی مقایسه کند تا به درک روشنی برسد.

■ اگر گنگی نام مؤلف این اطلس به عمد هم بوده باشد، اما در کل یک اطلس ۴۸ صفحه‌ای، زمانی این نکته بر خواننده روشن می‌شود که نیمی از آن را طی کرده باشد (صفحه ۲۴). اگر توضیح کوتاهی در این زمینه در دیباچه آن داده شود، قدر و قیمت آن افزون‌تر خواهد شد.

■ حتی اگر رعایت امانت‌داری چاپ اولیه این اطلس نیز اقتضا می‌کرد که به همان صورت اصلی به چاپ برسد، در حال حاضر این ترتیب قرار گرفتن نقشه‌ها در ذهن خواننده ماندگاری کمتری دارد. چرا که زمانی ترتیب و توالی یک اطلس قابل دفاع خواهد بود که یا به شیوه‌ای قیاسی از یک کلیت به جزئیات برسد، یعنی از نقشه کیهان و کهکشان به نقشه جهان‌نما و سپس به ایران و بعد ایالات و ولایات برسد، و یا بر مبنای استقرایی عکس حالت قبل باشد. انتظار می‌رفت در مقدمه این اطلس به این نکته اشاره می‌شد.

ارومیه، کوه سهند، دریای خزر، تخت سلیمان، کوه دماوند، دریاچه نیریز، کوه الوند و سد اهواز، مجموعه نقشه‌های این اطلس هستند که علاوه بر رنگ‌آمیزی از تکنیک استمپاژ نیز در ترسیم آن‌ها استفاده شده است.

در مجموع می‌توان گفت، کتاب دومین اطلس جغرافیایی دوره قاجار، کتاب نفیس و باارزشی است که هر کتابخانه معتبری قطعاً یک جلد از آن را در اختیار خواهد داشت. کیفیت کاغذ آن علاوه بر مرغوبیت با موضوع قدمت آن هم‌خوانی دارد که این از امتیازات دیگر آن است. جلد و طراحی آن نیز کمترین نقص را دارد.

اما جدای از محاسن آن، چند نکته در این سند معتبر وجود دارد که امید می‌رود در چاپ‌های بعدی و یا تجدید چاپ کتاب‌ها و اطلس‌های مشابه مورد توجه قرار گیرد. اشاره به آن‌ها هم با هدف بهبود این کتاب است؛ از جمله اینکه:

■ به نظر می‌رسد اگرچه استاد فرهیخته جغرافیا، جناب آقای دکتر جواد صفی‌نژاد، بر بازیابی و چاپ آن دقت و همت داشته‌اند، اما از منظر

